

بیانات خانم عاصمه جهانگیر

گزارشگر ویژه

در باره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

اجلاس هفتاد و دوم مجمع عمومی

آیتم ۷۳ (ب و پ)

نیویورک

سوم آبان ماه ۱۳۹۶

جناب رئیس،

عالیجناب، نمایندگان محترم، خانمها و آقایان،

افتخار می‌کنم که برای نخستین بار از زمانی که در ماه نوامبر ۲۰۱۶، کار خود را به عنوان گزارشگر ویژه در باره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران آغاز کردم، مجمع عمومی را مخاطب قرار می‌دهم. گزارشی که امروز تقدیم می‌کنم، شش ماهه اول سال ۲۰۱۷ را در بر می‌گیرد. این گزارش مبتنی است بر اطلاعات دریافتی از منابع مختلف در داخل و خارج از ایران، مکاتبات انجام شده با دولت و پاسخ‌های دریافتی، بررسی و مرور قوانین، و مشورت‌هایی که با ذینفع‌های مختلف، از جمله با نهادهای جامعه مدنی به عمل آمده است. پس از طی یک فرآیند صحیح انگاری، چند مورد خاص را مورد تاکید قرار داده‌ام و دولت و کشورهای عضو را ترغیب می‌کنم که به هر یک از آنها توجه خاص مبذول دارند.

جناب رئیس،

می‌توانم گزارش کنم که همکاری بین دولت ایران و دفتر من، یک همکاری مستمر است. دولت ایران به ۲۰ مکاتبه از ۲۸ مکاتبه‌ای که برای آن ارسال نمودم، پاسخ داده است. دولت، نظرات متعددی در باره گزارشی که امروز به شما تقدیم می‌کنم ارائه داده است و من توانستم در ماه‌های مارس و سپتامبر در ژنو، جلسات مفید و ماهوی با نمایندگان دائمی ایران در سازمان ملل و هیئت بازدیدکننده‌ای از این کشور داشته باشم و با ایشان صحبت کنم. صمیمانه امیدوارم این پیشرفت و گفتگو ادامه پیدا کرده و به ویژه از طریق پاسخ مثبت دولت به درخواست من برای سفر و بازدید از ایران، مستحکم گردد.

من در گزارشم به **تحولات مثبتی** نیز اشاره کرده‌ام. انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات محلی در اردیبهشت ماه، مشارکت گسترده مردم را در برداشت که نشان خواست ملت ایران مبنی بر ابراز نظرات خود است. در خلال کمپین مبارزاتی، رئیس‌جمهور روحانی در باره آزادی مطبوعات، توانمند ساختن زنان، حقوق کلیه اقلیت‌ها و محروم‌ترین اقشار جامعه ایران، سخن گفت. او همچنین از محدود ساختن شبکه‌های اجتماعی، سرکوب دانشجویان، و وضعیت سران اصلاح طلب در حصر خانگی، ابراز نگرانی کرد. من همچنین از نیت قوه مجریه مبنی بر بکارگیری منشور حقوق شهروندی به عنوان راهنمایی برای اجرای حقوق بشر، استقبال می‌کنم. امید است با حصول اطمینان از اجرا و اعمال منشور، این نیت عملاً به حقیقت پیوندد.

وجود این علائم امیدوارکننده باعث می‌شود بسیاری از گزارش‌هایی که من همچنان دریافت می‌کنم، دردناک‌تر و نیاز به اصلاحات بنیادین فوری‌تر جلوه کنند.

جناب رئیس،

میزان **اعدام‌ها** در ایران نگران‌کننده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که از آغاز سال تا کنون، ۴۳۵ نفر اعدام شده‌اند.

علائم امیدوارکننده ای به چشم می‌خورد. قانون مبارزه با مواد مخدر ممکن است تعداد احکام اعدام را کم کند. در سال گذشته، دست کم دو فقره اعدام کودکان [زیر ۱۸ سال در زمان جرم] به لحاظ دخالت مقامات، به تعویق افتاده است.

با این حال، دست کم چهار کودک مجرم اعدام شدند و ۸۶ نفر دیگر در انتظار اعدام به سر می‌برند، اگرچه رقم واقعی احتمالاً بالاتر است. از این فرصت استفاده کرده درخواست خود را برای دسترسی به فهرستی از تمامی مجرمان کودک تجدید نموده و مجدداً از مقامات ایران می‌خواهم که فوراً صدور حکم اعدام برای کودکان را متوقف ساخته و مطابق با معیارهای عدالت برای مجرمان کودک، فرآیندی جامع برای تخفیف کلیه احکام اعدام در مورد آنها، به کار بندند.

افزون بر این، اخیراً اطلاعاتی در مورد محمد **علی طاهری**، بنیانگذار یک جنبش معنوی، نویسنده، و عامل نظریه های طب جایگزین که در داخل و خارج از ایران مورد استفاده قرار گرفته، دریافت کردم که به اتهام افساد فی الارض، به اعدام محکوم شده است. درخواست تجدید نظر وی هنوز در دیوان کشور تحت بررسی است. محاکمه وی در شرایطی برگزار شد که نگرانی های جدی در باره رعایت تشریفات قانونی و دادرسی عادلانه وجود دارد، و تعدادی از پیروان او توقیف و مجبور شده اند تن به اعترافات اجباری بدهند. من خواستار لغو فوری اتهامات آقای طاهری و آزادی بدون قید و شرط او و خواستار لغو اتهامات علیه کلیه کسانی که به لحاظ اعمال حق بر آزادی بیان، دین، و اعتقاد در بازداشت به سر می برند، هستم.

جناب رئیس،

گزارش های متعددی از **شکنجه جسمی و روحی**، از جمله اخذ اعترافات اجباری، وجود دارد. متأسفانه باید خاطر نشان سازم که مجازات هایی همچون قطع عضو، کور کردن، شلاق زدن، و استفاده از حبس انفرادی طولانی مدت، همچنان مرتباً به اجرا در می آید. همچنین لازم می دانم نگرانی عمیق خود را از گزارش های مستمر در باره جلوگیری از دسترسی زندانیان به توجهات و درمان پزشکی لازم و مناسب، از جمله خودداری از ارائه درمان پزشکی به عنوان نوعی مجازات، ابراز کنم.

جناب رئیس،

در اینجا مایلم از افراد و سازمان هایی که اطلاعات در اختیار دفتر من می گذارند - و بسیاری از آنها از عواقب این کار وحشت دارند - قدردانی کنم. به طور کلی، گزارش های مستمر و یکدست از آزار و اذیت، ارباب و پیگرد قانونی مدافعان حقوق بشر دریافت کرده ام. برای نمونه، نرگس محمدی، مدافع شناخته شده و مورد احترام حقوق بشر، صرفاً به خاطر تعهد و اعتقادش به حقوق بشر، همچنان در زندان به سر می برد. گزارش هایی که از حمله به مدافعان زن حقوق بشر به شکل مزاحمت قضایی، بازداشت، و کمپین های بی آبرو کردن آنها دریافت شده، عمیقاً مرا نگران کرده است. آنهایی که خارج از ایران زندگی می کنند از اقدامات تلافی جویانه علیه اعضای خانواده هایشان که در ایران زندگی می کنند، در هراس هستند و من گزارش هایی دریافت کرده ام از اقداماتی که عمدتاً از سوی قوه قضائیه صورت گرفته با هدف اعمال فشار بر فعالان، علیه اعضای خانواده و وکلای آنها. من به موجب اختیارات خود به مستند نمودن و گزارش دهی در خصوص این گونه ارباب ها ادامه داده و همزمان، هر گاه لازم باشد، محرمانه بودن اطلاعات وارده را نیز تضمین و رعایت خواهم کرد. همچنین در گزارش خود، بر وضعیت اعضای اتحادیه ها صنفی که به خاطر فعالیت های مسالمت آمیزشان در زندان به سر می برند و نیز وضعیت بحرانی سلامتی زندانیان عقیدتی که به منظور اعتراض به قانونی نبودن بازداشت خود، در گذشته دست به اعتصاب غذا زده و یا در حال حاضر در اعتصاب غذا هستند، به گونه ای که جانشان در خطر است، تاکید نموده ام.

جناب رئیس،

گزارش هایی که در خصوص نقض حق بر آزادی بیان، اعتقاد، اطلاعات، و مطبوعات، دریافت می کنم، به همان اندازه آزاردهنده و وحشتناک اند. تا ماه ژوئن ۲۰۱۷، دست کم ۱۲ روزنامه نگار و ۱۴ بلاگر و فعال شبکه های اجتماعی، یا در بازداشت بودند و یا به خاطر فعالیت های مسالمت آمیزشان محکوم شده بودند. دیگر افراد شاغل در رسانه ها نیز گزارش می دهند که تحت بازجویی، مراقبت، و دیگر اشکال آزار و اذیت و ارباب، قرار می گیرند.

طی سال جاری، با روزنامه نگاران متعددی ملاقات کردم. از جمله در سفر کوتاهی که به بریتانیا داشتم، با برخی از روزنامه نگارانی که برای **بخش فارسی بی بی سی** کار می کنند، دیدار کردم. آنها برای من توصیف کردند که چگونه توسط ایران مورد آزار و اذیت و ارباب قرار گرفته اند. اطلاع یافته ام که در بعضی مواقع آنهایی که هدف قرار گرفته بودند، به کار خود باز نگشته اند. گزارش هایی هم از اعضای خانواده ها دریافت کرده ام مبنی بر این که جهت بازجویی

احضار شده‌اند و به ایشان اخطار شده که اگر عضو خانواده‌شان به کار برای بی بی سی ادامه دهد، عواقب وخیمی متوجهشان خواهد شد از جمله توقیف اموال که باعث می شود این روزنامه نگاران نتوانند، به عنوان مثال، ملک خود را بفروشند. از بسیاری از روزنامه نگارانی که مصاحبه شدند، اظهارات کتبی‌ای دریافت کردم که در آن جزئیات تهدید و ارعابی که متوجهشان شده بود را شرح داده‌اند. از ترس عواقب شناسایی شدن به عنوان فردی که اطلاعات در اختیار دفتر من گذاشته، همه آنها جملگی خواستار ملاقات‌های خصوصی بودند.

جناب رئیس،

در گزارش خود، به این نکته اشاره کردم که کارگروه بازداشت های خودسرانه، روند نوظهوری را مبنی بر **سلب آزادی خودسرانه افراد دارای دو تابعیت**، شناسایی کرده است، که در سال جاری نیز ادامه داشته است. برای نمونه، در گزارش خود، بر تعدادی از این موارد تاکید کردم و اخیراً نیز، طبق نظر کارگروه در ماه اوت ۲۰۱۶، خواستار آزادی نازنین زاغری شدم. خانم زاغری - راتکلیف دارای تابعیت مضاعف بوده و حکم پنج سال زندان خود را سپری می کند و در حال حاضر نیز اتهامات جدیدی متوجه او است که می تواند به شانزده سال حبس دیگر منتج شود. حکم اعدام اخیر دکتر احمد رضا جلالی که پس از محاکمه ای مملو از تخلفات ناشی از عدم رعایت تشریفات قانونی و موازین دادرسی عادلانه صادر شده نیز عمیقاً مرا نگران می کند. اتهام وی "جاسوسی" بود.

جناب رئیس،

در گزارش خود، از وعده رئیس جمهور روحانی مبنی بر پرداختن به **حقوق زنان** در ایران، استقبال کردم و تعهد ایران در قبال اهداف توسعه پایدار، از جمله هدف شماره ۵ در خصوص دستیابی به برابری جنسیت ها و توانمند ساختن زنان، را خاطر نشان ساختم. با این حال، واکنش شدید به کمپین های شبکه های اجتماعی در اعتراض به حجاب اجباری، بازداشت افراد به خاطر خواندن و توزیع مطالب فمینیستی، ممنوعیت ادامه دار حضور زنان در استادیوم های ورزشی برای تماشا کردن مسابقات در نقض منشور، و ممانعت از اشتغال زنان در برخی پست ها و مشاغل، حاکی از آن است که هنوز باید کار زیادی برای تحقق این تعهدات انجام گیرد. من از دولت می خواهم که در عمل، به این مسائل بپردازد و از طرق تنفیذ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، به وضع قوانین جدید پرداخته و کلیه قوانین و سیاست هایی که علیه زنان و دختران تبعیض قائل می شوند را ملغی نماید.

جناب رئیس،

من **وضعیت اقلیت های قومی و دینی** در کشور را نیز مستند نموده ام، از جمله تبعیض مستمر و بی پایان علیه بهائیان و هدف گرفتن جامعه بهایی که حق معاش آنان را به مخاطره می اندازد. من مجدداً از دولت خواستم که به موجب میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران عضو متعهد آن است، حمایت برابر از بهائیان را تضمین نماید. گزارش هایی مبنی بر بازداشت خودسرانه، زندان، شکنجه، و پیگرد قضایی اقلیت های قومی به خاطر فعالیت هایشان جهت ترویج حقوق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و زبانی خود نیز دریافت کرده ام که مرا به شدت نگران کرده و از دولت می خواهم حفاظت از حقوق کلیه جوامع و اقلیت ها را تضمین کند.

جناب رئیس،

اگرچه امروز بر وضعیت کنونی حقوق بشر در ایران، که از بسیاری جهات عمیقاً نگران کننده است، تمرکز کردم، با این حال بر این باورم که **علائم دلگرم کننده ای** نیز وجود دارد که امیدوارم در آینده نزدیک، محقق گردد. من آماده ام هر گونه **کمکی** که در این خصوص از من ساخته است، از طریق ارتباط و گفتگوی بیشتر با مقامات - و امیدوارم از طریق دیدار از این کشور - ارائه دهم.

بدین منظور، تلاش کردم در گزارشم توصیه های دقیقی جهت اصلاح نظام قضایی با هدف تضمین استقلال آن، به دولت ارائه دهم، از جمله از طریق تعلیم مهارت های لازم و آموزش قضات، تضمین تعیین قضات به گونه ای شفاف و شایسته سالار، تضمین حفاظت از قضات، دادستان ها، وکلا، و خانواده هایشان، و تقویت فرآیندهای خود-ساماندهی و استقلال کانون های وکلا.

معتقدم برای پیشرفت، باید به عقب هم نگاه کرد. در این خصوص، میزان بالای عریضه ها، مکاتبات، و اسناد مربوط به کشتار هزاران زندانی سیاسی مرد، زن، و نوجوان در سال ۱۳۶۷، حکایت از رنجی عمیق و بی امان دارد که قطعاً باید مورد ملاحظه قرار گیرد. افرادی در بالاترین سطوح کشور، وقوع این کشتار را تایید کرده اند. من تقریباً به طور روزانه نامه هایی صمیمی و بی ریا از خویشان قربانیان دریافت می کنم که جملگی می خواهند پاسخی بیابند. خانواده های قربانیان حق جبران خسارت و دریافت غرامت داشته و حق دارند به حقیقت این وقایع و سرنوشت قربانیان پی ببرند، بی آن که در معرض اقدامات تلافی جویانه قرار بگیرند. بنابراین، مجدداً از دولت می خواهم انجام تحقیقات کامل و مستقل در خصوص این وقایع را تضمین نماید.

جناب رئیس،

مایلم به اطلاع برسانم که با نگاهی رو به جلو نسبت به اختیارات خود، در ماه اوت ماموریتی پر بار در نروژ و سوئد داشتم که طی آن با افرادی که جدیداً ایران را ترک کرده بودند، نمایندگان جامعه مدنی، ملاقات کرده و توانستم با وزارت خانه های امور خارجه مربوطه تبادل نظر کنم. دیدار من از این کشورها به منزله مهر تاییدی بود بر ارزیابی ای که امروز خدمتان تقدیم کردم، و توانستم اطلاعات دقیق تری در خصوص عدم رعایت تشریفات قانونی و نقض حق بر دادرسی عادلانه دریافت نمایم. گزارش های بیشمار و یکدستی که از عدم استقلال دستگاه قضایی حکایت دارد و نیز محدودیت هایی که بر کانون های وکلا اعمال می گردد و توانایی فعالیت مستقل آنها را محدود می نماید، مرا عمیقاً نگران می کند. همچنین تعداد قابل توجهی گزارش از ارباب، آزار و اذیت، و بازداشت وکلا حین انجام وظائف حرفه ای خود، وجود دارد. من همچنین اطلاعاتی در خصوص سرکوب مدافعان و فعالان حقوق بشر در جوی مملو از تحت نظر داشتن و ارباب دریافت کردم که منجر به محدودیت فعالیت های جمعی سازمان یافته جهت دفاع از حقوق بشر در داخل کشور گردیده است. نمایندگان اقلیت های قومی نیز در باره تبعیضی که با آن مواجهند و مطالبی که بر جامعه بهاییان می رود با من سخن گفتند. در زمان مقتضی، رسماً در باره یافته های این ماموریت گزارش تقدیم خواهم کرد.

جناب رئیس،

سخنان خود را با بزرگداشت کسانی که همچنان به بیان عقاید خود و رساندن اطلاعات به دفتر من، در جوی مملو از هراس و ارباب علیه خود و خانواده هایشان، ادامه می دهند، به پایان می برم. ضمناً مراتب قدردانی خود را از دولت ایران به خاطر گفتگوی مستمر نیز مجدداً ابراز می کنم و عمیقاً آرزو مندم که وضعیت حقوق بشر در ایران از طریق تلاش های دولت و ادامه گفتگو، بهبود یابد. این امر، مستلزم ایجاد محیطی قائل به توانمند سازی سیاسی است، هم در سطح داخلی و هم در سطح بین المللی.